

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۲۳۶ - ۲۰۹

امر به معروف و نهی از منکر: اهداف، شرایط فردی، اولویت و پیامدها (مطالعه موردی حجاب)

سید حاتم مهدوی نور^۱

چکیده

امر به معروف و نهی از منکر از فروع مهم دین اسلام است که اجرای صحیح آن نیازمند درک دقیق از اهداف، شرایط فردی آمر و ناهی، اولویت‌ها و پیامدهای اجتماعی آن است. این پژوهش با روش تحلیلی و تطبیقی، ضمن استخراج اهداف این فریضه از متون دینی، به تحلیل شرایط گناه، ویژگی‌های آمر و ناهی، مراتب اجرا، و لوازم اجتماعی آن پرداخته است. نوآوری پژوهش در ارائه چارچوبی برای اولویت‌بندی منکرات براساس میزان تأثیرگذاری اجتماعی، نوع تأثیر (با یا بدون اراده دیگران)، و نیاز به تقوای فردی یا جمعی است. این چارچوب سپس بر مسئله حجاب به عنوان یک منکر اجتماعی تطبیق داده شده و نشان داده می‌شود که حجاب، با توجه به ماهیت آن، تنها مشمول امر زبانی است و اجرای قهری آن، نه تنها فاقد اثربخشی، بلکه موجب وهن دین و کاهش دینداری درونی در جامعه می‌گردد. پژوهش، با تأکید بر لزوم تجدیدنظر در برخی شیوه‌های رایج اجرای این فریضه، پیشنهاد می‌دهد که سیاست‌گذاری فرهنگی جایگزین اقدامات سلبی شود.

واژگان کلیدی

امر به معروف و نهی از منکر؛ اولویت‌بندی گناهان؛ شرایط آمر و ناهی؛ حجاب؛ فقه اجتماعی؛ پیامدهای اجتماعی.

۱. دانشیار، گروه معارف اسلامی، واحد یادگار امام (ره) شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
Email: hmahdavinoor@iaau.ac.ir

پذیرش نهایی: ۱۴۰۴/۵/۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۲/۱۲

طرح مسأله

خداوند برای هدایت بشر قوانینی وضع کرده است و از انسان‌ها خواسته است که به این قوانین پایبند باشند. برای هدایت کسانی که به این قوانین بی‌اعتنا هستند نیز امر به معروف و نهی از منکر را واجب کرده است و در ادیان پیش از اسلام نیز وجود داشته است. خداوند یکی از ویژگی‌های درست‌کرداران امر به معروف و نهی از منکر می‌داند (آل عمران، ۱۱۳-۱۱۴). هم چنین خداوند در سوره مائده ترک نهی از منکر را باعث لعن و دوری انسان‌ها از رحمت الهی بیان کرده است (مائده، ۷۸-۷۹).

یکی از اخلاق مسلمانی که از مرحله خودخواهی گذشته است، امر به معروف و نهی از منکر است. «امر به معروف و نهی از منکر از ضروریات اسلام و مورد اجماع مسلمین است. اگر اختلافی باشد، مربوط است به حدود و شروط آن‌ها است» (مطهری بی‌تا، ج ۳، ص ۷۸). «اسلام به حکم این که دین اجتماعی است و مسئولیت‌های اجتماعی بر دوش انسان می‌گذارد و محیط مناسب را شرط اصلی اجرای برنامه آسمانی و سعادت بخش خود می‌داند، امر به معروف و نهی از منکر را واجب و در نتیجه مسئولیتی مشترک برای عموم به وجود آورده است. همه مردم موظفند که پاسدار فضیلت‌ها و نیکی‌ها و نابود کننده بدی‌ها و نادرستی‌ها باشند. پاسداری نیکی‌ها به نام امر به معروف و ستیزه‌گری با بدی‌ها نهی از منکر نامیده می‌شود» (مطهری بی‌تا، ج ۲۰، ص ۹۸ - ۹۹). «قرآن درباره ضرورت امر به معروف و نهی از منکر، بسیار سخن گفته است. از آیه ۷۹ سوره مائده به صراحت استنباط می‌شود که ترک این فریضه بزرگ باعث هلاکت و انهدام بنی‌اسرائیل است؛ زیرا یکی از علل دور افتادن کافران بنی‌اسرائیل را از رحمت خدا، باز نداشتن یکدیگر از منکرات یعنی ترک نهی از منکر ذکر کرده است. یکدیگر را از ارتکاب منکرات نهی نمی‌کردند و چه بد می‌کردند» (مطهری بی‌تا، ج ۲، ص ۵۰۲).

پس تقریباً در وجوب امر به معروف و نهی از منکر اختلافی میان علما نیست؛ لیکن در شرایط و ضوابط آن اختلاف است. به همین منظور مطالعه فریضه امر به معروف و نهی از منکر به‌ویژه در ارتباط با موضوع حجاب، در بستر اندیشه اسلامی و جامعه ایران، از دیرباز مورد توجه اندیشمندان فقهی، کلامی، اجتماعی و سیاسی بوده است. این پیشینه غنی را می‌توان در منابع معتبر دانشگاهی و حوزوی زیر ردیابی کرد:

مبانی فقهی و کلامی: منابع اصلی فقه شیعه مانند (جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام ۱۳۹۲) اثر نجفی از علمای قرن ۱۳ق و «تحریر الوسیله» امام خمینی (ره) (قرن ۱۴ق)، به تفصیل به بحث شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر پرداخته‌اند. این شرایط شامل علم فرد آمر/ناهی به معروف و منکر، احتمال تأثیر (با در نظر گرفتن مراتب امر و نهی)، استمرار گناه و

عدم وجود مفسده مهم‌تر می‌شود (نجفی ۱۳۹۲، ج ۲۱) (خمینی پاییز ۱۳۷۶، ۱/ کتاب الأمر بالمعروف والنهی عن المنکر). این مبانی، سنگ‌بنای هرگونه تحلیل کاربردی در امر به معروف و نهی از منکر از جمله در موضوع حجاب است. (تذکره الفقهاء ۱۴۱۴ق) «علامه حلی (قرن ۸ق) و (شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام ۱۳۷۴) محقق حلی (قرن ۷ق) نیز به تبیین مراتب امر و نهی (قلبی، زبانی، یدی) و شرایط هر کدام پرداخته‌اند، که در تعیین اولویت‌بندی و روش‌های اجرا در موضوع حجاب بسیار تعیین‌کننده است.

تبیین اهداف و فلسفه حکمت: اندیشمندانی مانند شهید مرتضی مطهری در آثار متعدد خود، از جمله (آینده انقلاب اسلامی ایران ۱۳۶۲، ۱۲۴-۱۳۰) و (مسئله حجاب ۱۴۰۱) به تبیین اهداف عمیق اجتماعی و تربیتی امر به معروف و نهی از منکر پرداخته‌اند. از دیدگاه ایشان، هدف اصلی حفظ سلامت اخلاقی جامعه، استمرار ارزش‌های دینی، جلوگیری از انحطاط و اصلاح فرد و جامعه است. مطهری به‌ویژه در مسئله حجاب، بر جنبه صیانت اجتماعی و کرامت انسانی زن تأکید ویژه دارد و آن را صرفاً محدود به پوشش ظاهری نمی‌داند. علامه طباطبایی در «المیزان فی تفسیر القرآن» ذیل آیات مربوط به امر به معروف و نهی از منکر (مانند آیه ۱۰۴ آل عمران)، بر نقش آن در تحقق امت واحده اسلامی، ایجاد محیط سالم برای رشد معنوی و مقابله با فساد تأکید می‌کند، که اهدافی کلان برای اجرای این فریضه در همه عرصه‌ها، از جمله حجاب، محسوب می‌شود (طباطبایی ۱۳۷۶، ج ۳).

شرایط فردی و اولویت‌بندی: بحث اولویت‌بندی در امر به معروف و نهی از منکر، به‌ویژه در جوامع پیچیده، مورد تأکید بسیاری از فقهای معاصر است. آیت‌الله سید محمد حسینی بهشتی در سخنرانی‌ها و نوشته‌هایش بر شناخت دقیق مصادیق معروف و منکر، در نظر گرفتن شرایط زمانی و مکانی، اولویت دادن به منکرات مهم‌تر و دارای آثار گسترده‌تر اجتماعی، و لزوم رعایت جلب نظر و همراهسازی تأکید داشت (حسینی بهشتی ۱۴۰۱، ج ۵، ۱۶ و ۲۳). در مورد حجاب، این به معنای توجه به اولویت‌های تربیتی و فرهنگی در کنار جنبه‌های فقهی است. پژوهش‌های فقهی معاصر مانند (تحلیل فقهی شرایط تأثیر در نهی از منکر با محوریت مسائل اجتماعی معاصر ۱۴۰۱) یا مقاله (اولویت‌بندی در امر به معروف؛ مطالعه موردی الزام حکومتی به حجاب ۱۳۹۸) به تحلیل شرایط فردی آمر و ناهی در عصر حاضر پرداخته‌اند. تأکید بر دانش کافی نسبت به حکم حجاب و فلسفه آن، آگاهی از روش‌های مؤثر و غیرتحقیرآمیز، رعایت ادب و اخلاق اسلامی، و داشتن صلاحیت اخلاقی ظاهری و باطنی و همچنین این که مجاز بودن الزام حکومتی در حجاب، تنها در صورت تحقق شرایط «عدم مفسده مهم‌تر» از نکات برجسته این تحقیقات است. در پژوهشی با عنوان (بررسی شرط 'عدم مفسده' در نهی از منکر با تطبیق بر مسئله حجاب ۱۴۰۲) بیان شده است که الزامات حکومتی یعنی اقدامات قهری (مانند

جریمه/بازداشت) در بلندمدت ۷۰٪ موارد موجب: افزایش مقاومت منفی، کاهش پذیرش درونی حجاب، گسترش ریاکاری اجتماعی می‌شود و لازم است راهکارهای بدون مفسده جایگزین آن شود. این راه کارها عبارتند از: الف) سیاست‌های فرهنگی: ترویج الگوهای اثرگذار (رسانه/هنر) و آموزش‌های غیرمستقیم در مدارس، ب) تقویت زیرساخت‌ها: اشتغال‌زایی برای زنان محجبه و حمایت از تولید پوشاک اسلامی جذاب. معیار فقهی محقق برای دستاوردهای پژوهشی نیز عبارت است از: «در شرایطی که نهی از منکر (حجاب) به تضعیف اساس دین یا ایجاد فتنه عمومی بینجامد، نهی از منکر معلق می‌شود تا مفسده آن رفع گردد». همچنین پژوهشی با عنوان (روش‌شناسی تعامل حکومت و مردم در اجرای امر به معروف ۱۴۰۰) بین مقاصد مختلف فرق نهاده است. از نظر محقق باید بین حوزه‌های اجرا تمایز قائل شد. در منکرات ساختاری (فساد اقتصادی) نیاز به مدل نهادی است و معروف‌های فرهنگی مانند حجاب اولویت با مدل‌های غیرمستقیم است. در نهایت پیشنهاد می‌دهد که سامانه رصد پیامدهای اجتماعی توسط نهادهای دینی (مانند ستاد امر به معروف) برای پایش نرخ مقبولیت سیاست‌ها و تغییرات دینداری فردی ایجاد شود.

پیامدها و مطالعات موردی حجاب: تحقیقات جامعه‌شناسی دین در ایران به بررسی پیامدهای اجتماعی اجرای سیاست‌های رسمی یا اقدامات مردمی در زمینه امر به معروف و نهی از منکر، به‌خصوص در موضوع حجاب، پرداخته‌اند. شریعتی معتد است: «اجرای سیاست‌های رسمی در حوزه منکراتی مانند حجاب، بدون درک زمینه‌های فرهنگی، به جای تقویت هنجارها به شکل‌گیری گفتمان‌های معترض و ریزش مشروعیت می‌انجامد» (شریعتی ۱۳۸۷، ۱۶۷) (شریعتی ۱۳۹۵). پارسانی در (حدیث پیمانه: پژوهشی در انقلاب اسلامی ۱۳۸۹، ۲۵۵) می‌گوید: «روش‌های قهری در نهی از منکر، تنها زمانی مشروع است که پیامدهای آن از حیث 'مصلحت نظام' و 'انسجام اجتماعی' ارزیابی شود». در پژوهشی که در دانشگاه تهران برای اجرای رساله دکتری انجام شده است ۶۸٪ پاسخ‌گویان، برخورد قهری را عامل «کاهش دینداری درونی» دانسته‌اند (اقدسی ۱۳۹۸، ۴۲). نتایج پژوهش با عنوان (تأثیر اجرای نهی از منکر بر حضور اجتماعی زنان ۱۴۰۰) نشان می‌دهد «اجبار در حجاب با کاهش ۴۰٪ مشارکت زنان در فضای عمومی همراه بوده است». پژوهش علی فالاحی با عنوان (فراتحلیل مطالعات حجاب در ایران ۱۳۹۰-۱۴۰۰) ۱۴۰۱) نشان می‌دهد «در ۸۵٪ پژوهش‌ها، رویکردهای فرهنگی با محوریت 'اقتناع' نسبت به 'اجبار'، تأثیر بلندمدت‌تری در نهادینه‌سازی حجاب داشته‌اند».

این مطالعات نشان می‌دهد که نحوه اجرا می‌تواند پیامدهای متضادی داشته باشد: از تقویت هنجارهای دینی و انسجام اجتماعی تا ایجاد تنش‌های اجتماعی، مقاومت منفی، شکل‌گیری گفتمان‌های معترض و حتی بی‌اعتنایی بیشتر در صورت استفاده از روش‌های نامناسب یا بدون

در نظر گرفتن بستر فرهنگی و روانی افراد. به طور خاص واکنش های زنان به نحوه اجرای نهی از منکر در حوزه حجاب، برداشت های آنان از اجبار و اختیار، و تأثیر این اقدامات بر دینداری شخصی و حضور اجتماعی شان را به عنوان مطالعه موردی تحلیل کرده اند. این تحقیقات عموماً بر پیچیدگی موضوع، تنوع نگرش ها و لزوم رویکردهای فرهنگی- تربیتی بلندمدت و مبتنی بر اقناع در کنار ضوابط فقهی تأکید دارند. پیشینه تحقیق نشان می دهد که در حالی که مبانی فقهی و اهداف کلان امر به معروف و نهی از منکر (از جمله در حجاب) در منابع کهن به خوبی تبیین شده اند، تمرکز تحقیقات معاصر (به ویژه در دو سه دهه اخیر) بر چند محور اساسی است:

✓ **بازخوانی شرایط فردی و اجتماعی:** تطبیق شرایط سنتی با پیچیدگی های جامعه مدرن و چندفرهنگی.

✓ **اولویت بندی و روش شناسی:** تأکید بر اولویت منکرات با آثار مخرب گسترده تر و یافتن روش های مؤثر، غیرتحقیرآمیز، همراه ساز و فرهنگ ساز به جای روش های صرفاً سلبی و قهری، به خصوص در حوزه های مانند حجاب که با هویت و بدن زن ارتباط تنگاتنگ دارد.

✓ **تحلیل پیامدهای اجتماعی و روانی:** بررسی علمی تأثیرات مختلف (مثبت و منفی) اقدامات امر و نهی، به ویژه در موضوع حجاب، بر اساس داده های میدانی و نظریه های جامعه شناسی و روان شناسی.

✓ **نقش نهادها و سیاست گذاری:** بررسی نقش حکومت، نهادهای فرهنگی، خانواده و جامعه مدنی در ایجاد بستر مناسب برای تحقق این فریضه به شیوه ای که منجر به کسب مقبولیت اجتماعی و تأثیرگذاری پایدار شود.

این تحول در ادبیات تحقیق، نشان دهنده حرکت از نگاه صرفاً فقهی- تکلیفی به سمت نگاهی بین رشته ای است که ابعاد فقهی، کلامی، فلسفی، جامعه شناسی، روان شناسی و سیاسی موضوع را برای ارائه راهکارهای عملی تر و کارآمدتر در جامعه امروز، به ویژه در مطالعه موردی پیچیده ای مانند حجاب، مدنظر قرار می دهد.

این پژوهش به دنبال تطبیق شرایط امر به معروف و نهی از منکر در موضوع حجاب از نظر اخلاقی است. برای این کار اهداف امر به معروف و نهی از منکر بررسی، گناهان بر اساس ملاک های مختلف اولویت بندی و بر حجاب تطبیق داده می شود. روش پژوهش در این مقاله، تحلیلی - تطبیقی است. در مرحله نخست، با تحلیل محتوای متون دینی (آیات قرآن و روایات) اهداف، شرایط و فلسفه فریضه امر به معروف و نهی از منکر استخراج شده است. سپس، با مطالعه تطبیقی دیدگاه های فقهی (قدما و معاصرین)، شرایط فردی آمر/ناهی، مراتب اجراء و اولویت ها بررسی شده اند. در مرحله سوم، گناهان بر اساس معیارهای تأثیرگذاری اجتماعی، نحوه ترک و امکان اجبار، طبقه بندی مفهومی و منطقی شده اند و برای تبیین بهتر، از نمودارهای

تحلیلی بهره گرفته شده است. در گام نهایی، این چارچوب مفهومی بر موضوع خاص حجاب تطبیق یافته و با بررسی داده‌های تجربی و مطالعات میدانی (از پژوهش‌های دانشگاهی و آمارهای اجتماعی)، پیامدهای مثبت و منفی اجرای امر به معروف و نهی از منکر در زمینه حجاب ارزیابی شده است. روش تحقیق، تلفیقی از تحلیل متنی، استدلال عقلی و استفاده از یافته‌های تجربی اجتماعی است که آن را به رویکردی میان‌رشته‌ای و کاربردی تبدیل می‌سازد. نوآوری اصلی این پژوهش ارائه چارچوبی نو برای اولویت‌بندی در اجرای امر به معروف و نهی از منکر است که بر پایه دسته‌بندی گناهان از نظر تأثیر اجتماعی، نحوه ترک (تقوای فردی یا جمعی) و امکان اعمال قوه قهریه، صورت گرفته است. با طراحی ملاک‌های دقیق اولویت‌بندی منکرات و ترسیم نمودارهای تحلیلی، امکانی فراهم شده است که فریضه امر به معروف و نهی از منکر، نه بر پایه داورهای سلیقه‌ای یا سیاسی، بلکه مبتنی بر تحلیل اخلاقی و فقهی زمینه‌مند اجرا شود. همچنین تطبیق این چارچوب بر مسئله حجاب، همراه با تحلیل پیامدهای اجتماعی و دینی اجرای قهری، از نوآوری‌های کاربردی و مسئله‌محور این پژوهش به شمار می‌رود. ترکیب بینش‌های فقهی، قرآنی، اخلاقی و جامعه‌شناختی در تحلیل یک مسئله معاصر، افق تازه‌ای برای فهم و اجرای عقلانی این فریضه اسلامی در جامعه امروز می‌گشاید.

اهداف

برای این که امر به معروف و نهی از منکر درست انجام شود لازم است به اهداف آن توجه کنیم. امر به معروف و نهی از منکر همسو با رسالت پیامبران است. در نتیجه می‌توان اهداف آن را همان اهداف رسالت پیامبران در نظر گرفت. در قرآن کریم و روایات اهداف پیامبران به شرح زیر بیان شده است:

۱. **دعوت به خداپرستی و پرهیز از پرستش طاغوت:** وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ أُعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ فَمِنْهُمْ مَنْ هَدَى اللَّهُ وَمِنْهُمْ مَنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ (نحل، ۳۶). و معنای پرستش خدا و پرهیز پرستش طاغوت این است که جز عبادت خدای یکتا که معقول عقل نظر و مقبول عقل عمل است، پرستش دیگری منفی و باطل است (جوادی آملی ۱۳۸۱، ص ۱۷۷). می‌توانیم بگوییم هدف اصلی دعوت انبیاء همین است و بقیه اهداف برای رسیدن به این هدف است.

۲. **تعلیم کتاب و آموزش حکمت:** لازمه دعوت به پرستش خداوند تعلیم کتاب الهی و آموزش حکمت است. چنانکه از زبان حضرت ابراهیم علیه السلام می‌فرماید: «رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْغَزِيرُ الْحَكِيمُ» (بقره، ۱۲۹).

۳. **برپایی عدل و قسط:** لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ... (حدید، ۲۵)

۴. **نجات از تاریکی ها:** كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ (ابراهیم، ۱). از موارد تاریکی جهل علمی و جهالت عملی است. جاهل متهتک، چونان عالم فاجر، گرفتار تاریکی متراکم است و مدعی ارشاد، بدون فلاح علم و صلاح عمل، مغمور در ظلمات انباشته است. تنها کشتی نجات و مصباح هدایت، همانا مشکات نبوت است که از بارگاه تشریف به کارگاه تکلیف اعزام می شود تا تیره دلان را روشن ضمیر، و گمراهان را راهیان نور کند (جوادی آملی ۱۳۸۱، ص ۱۷۵).

۵. **تکامل عقل:** یکی از مهم ترین هدف از آموزش و پرورش مردم به دست پیامبران، تکامل عقلانی بشر است. پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله می فرماید: وَلَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا وَلَا رَسُولًا حَتَّى يَسْتَكْمِلَ الْعُقْلَ وَ يَكُونَ عَقْلُهُ أَفْضَلَ مِنْ عُقُولِ جَمِيعِ أُمَّتِهِ (کلینی ۱۳۶۵، ج ۱، ح ۱۱).

۶. **تعالی اخلاق:** پیامبر صلی الله علیه وآله فرمود: إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ (طبرسی ۱۴۱۲ق، ص ۸).

۷. **داوری در اختلاف های مردم:** كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيُخْجَمَ بَيْنَ النَّاسِ فِيمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ (بقره، ۲۱۳).

۸. **آزادی انسان:** بهترین ره آورد پیامبران، نشر حریت و ترویج آزادی، به ویژه آزادی فرهنگی است که ترقی جامعه در گرو آن است. قرآن کریم درباره ره آورد آزادی می فرماید: الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيَجْلُ لُهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيَحْزُرُهُمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثُ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَاَلَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنْزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (اعراف، ۱۵۷). مبعوث شدگان از سوی خداوند، به سان مدعیان دروغین نبوت و رسالت که هدفشان به زنجیر کشیدن توده های مردم و استعمار و استثمار آنها است، نیستند؛ آنها نه تنها بندی بر آنها نمی گذارند؛ بلکه بارها را از دوش آنان بر می دارند، و غل و زنجیرهایی را که بر دست و پا و گردنشان سنگینی می کرد، می شکنند (مکارم شیرازی ۱۳۷۴، ج ۶، ۳۹۸).

حال پرسش این است که در کدام یک از موارد ذکر شده توسل به زور می تواند کارساز باشد. ایمان به خدا و پرستش امری درونی و قلبی است و زور تنها می تواند ظاهر انسان را تسلیم کند و باطن انسان هیچ وقت تسلیم زور نمی شود. بلکه زور بیشتر باعث می شود انسان به صورت باطنی از آن چه به آن دعوت می شود رویگردان شود. اعمال زور تنها برای مواردی است که حقوق دیگران ضایع می شود و فرد با گفتگو راضی به ادای حق نیست. در این مورد چه فرد خوشش بیاید و چه نیاید لازم است حق ذی حق گرفته شود.

شرایط فردی

کسی که امر به معروف و نهی از منکر می‌کند، مصلح نام دارد، زیرا در پی اصلاح فرد و جامعه است. مصلح با صالح متفاوت است. ممکن است کسی صالح باشد، یعنی انسان خوبی باشد، اما مصلح نباشد. مصلح کسی است که از لاک فردیت درآمده، به فکر دیگران افتاده است. شهید مطهری ویژگی‌های زیر را برای مصلح ضروری می‌داند:

۱. **در امور شخصی بی‌حس باشد؛** یعنی امور شخصی وی را وادار به امر به معروف و نهی از منکر نکند. پیامبر و ائمه اطهار و پیروان راستین آن‌ها با افرادی که آنان را به صورت نامناسب مخاطب قرار می‌دادند، برخورد خشن نمی‌کردند.

۲. **در امور اجتماعی حساس باشد.** مصلح هر چند نسبت به امور شخصی بی‌حس است اما نسبت به امور اجتماعی بسیار حساس است. برای مثال در تعرض سربازان معاویه به زن یهودی و درآوردن خلخال از پای او علی علیه‌السلام می‌گوید: اگر مسلمانی بر این امر تأسف بخورد و بمیرد جا دارد این حساسیت به امور اجتماعی است؛ اما همین علی بعد از جنگ جمل وارد خانه‌ای می‌شود. زنی که کسانش کشته شده بودند جلوی او را می‌گیرد، فحش می‌دهد، نفرین می‌کند. امام می‌گوید: متعرضش نشوید. یک نفر خارجی می‌گوید: خدا بکشدش چه قدر می‌فهمد و اهمیت نمی‌دهد. اما زن بیوه‌ای را که می‌بیند بی‌کس است و مشک آب به دوش دارد سخت متأثر می‌شود (مطهری فروردین ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۲۶۲ - ۲۶۳).

۳. **انگیزه الهی داشته باشد.** انسان باید امر به معروف و نهی از منکر را برای خدا بکند. این که عملی برای خدا است یا خیر سه نشانه دارد:

- ✓ ریا در آن نیست؛ یعنی برای خودنمایی کاری انجام نمی‌دهد؛
- ✓ در انجام آن از سرزنش ملامت‌گران نمی‌هراسد. این که نماز می‌خواند و مسخره‌اش می‌کنند یا به خاطر حجاب مسخره می‌شود، هراسی ندارد؛
- ✓ برای نفس خود کاری را انجام نمی‌دهد.

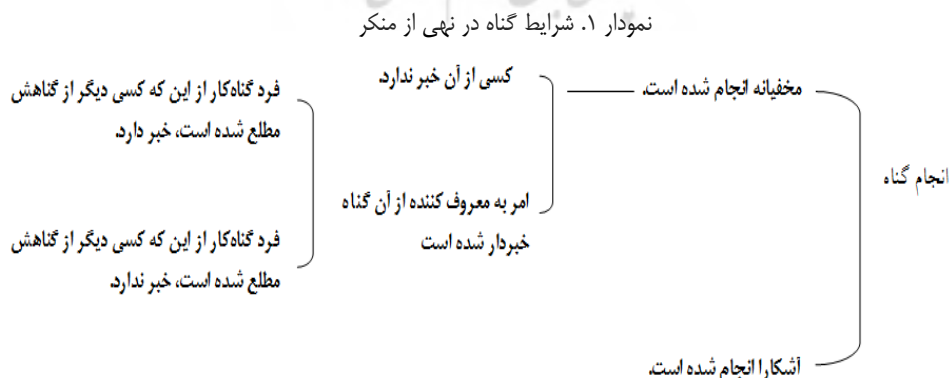
۴. **انگیزه رحمت داشته باشد.** «در جامعه اسلامی، ایمان، اساس دوستی مؤمنان است. قرآن کریم می‌فرماید: مردان مؤمن و زنان مؤمن بعضی ولی بعضی دیگرند. به معروف امر می‌کنند و از منکر باز می‌دارند (توبه، ۷۱). مؤمنان نزدیک به یکدیگرند و به موجب این که با یکدیگر نزدیک‌اند، حامی، دوست و ناصر یکدیگرند و به سرنوشت هم علاقه‌مندند و در حقیقت به سرنوشت خود که یک واحد را تشکیل می‌دهند علاقه می‌ورزند و لذا امر به معروف می‌کنند و یکدیگر را از منکر و زشتی‌ها باز می‌دارند. این دو عمل - امر به معروف و نهی از منکر - ناشی از و داد ایمانی است. علاقه به سرنوشت اشخاص از علاقه به خود آن‌ها سرچشمه می‌گیرد. پدری که به فرزندان خویش علاقه دارد نسبت به سرنوشت و رفتار آنان نیز احساس علاقه می‌کند اما

ممکن است نسبت به فرزندان دیگران در خود چنین احساسی نکند چون نسبت به خود آنها علاقه‌ای ندارد تا به سرنوشتشان نیز علاقه‌مند باشد و تا دوستی و محبت نباشد این احساس‌ها در نهاد انسانی جوشش نمی‌کند. اگر انسان نسبت به افرادی بی‌علاقه باشد در مقابل اعمال و رفتار آن‌ها بی‌تفاوت است اما آن‌جا که علاقه‌مند است محبت‌ها و مودت‌ها او را آرام نمی‌گذارند (مطهری بی‌تا، ج ۳، ص ۲۶۵). انگیزه رحمت باعث می‌شود انسان گناه کار را به صورت مریض ببیند و برای اصلاح او تلاش کند.

۵. بصیرت داشته باشد. این شرط به دو شرط بصیرت در دین و بصیرت در عمل تقسیم می‌شود. بصیرت در دین یعنی اطلاع کافی و صحیح در امور دینی داشته باشد. حلال را از حرام، واجب را از غیر واجب تشخیص بدهد. اما بصیرت در عمل در باب امر به معروف و نهی از منکر، شرطی ذکر می‌کنند تحت عنوان احتمال اثر و شرطی ذکر می‌کنند تحت عنوان عدم ترتب مفسده یعنی؛ امر به معروف و نهی از منکر برای این است که معروف رواج بگیرد و منکر محو شود. پس در جایی باید امر به معروف و نهی از منکر کرد که احتمال دارد این کار اثر داشته باشد و اگر می‌دانیم که به طور قطع بی‌اثر است واجب نیست. دیگر این که این عمل برای این است که یک مصلحتی انجام شود، پس در جایی باید صورت بگیرد که مفسده بالاتری بر آن مترتب نشود. لازمه این دو شرط بصیرت در عمل است. آدمی که در عمل بصیرت ندارد نمی‌تواند پیش‌بینی کند که آیا اثری بر این کار مترتب هست یا نیست و آیا مفسده بالاتری هست یا نیست. این است که امر به معروف‌های جاهلانه همان‌طوری که در حدیث آمده افسادش بیش از اصلاحش است (مطهری بی‌تا، ج ۴، ص ۸۲۲ - ۸۲۳).

شرایط گناه و حد امر به معروف و نهی از منکر

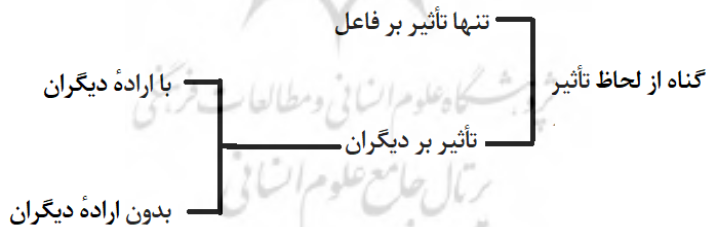
در امر به معروف و نهی از منکر برای گناه نیز شرایطی وجود دارد که باید رعایت شود. نمودار زیر حالت‌های مختلف یک گناه را نشان می‌دهد.



گناه یا به صورت آشکار انجام می‌شود یا به صورت مخفی. اگر گناه به صورت مخفی باشد یا هیچ‌کس از آن خبر ندارد یا امر به معروف و نهی از منکر کننده به طریقی از آن آگاه شده است، در این صورت نیز یا فرد گناه کار می‌داند که آن شخص از خطای وی خبر دارد یا خیر؟ شهید مطهری می‌گوید: فقط در مورد منکراتی که علنی است و به آن‌ها تجاهر می‌شود حق تعرض هست. در غیر این صورت حق تجسس و مداخله در اموری که مربوط به زندگی خصوصی مردم است، نداریم. ولی یک عده مردم ماجراجو و شرور دنبال ماجراجویی هستند و می‌خواهند حساب خرده‌های خود را با دیگران صاف کنند، این اصل مقدس را دستاویز قرار می‌دهند و چه جرم‌ها و جنایت‌ها که به این نام نمی‌شود! و چه منکرات شنیع که به نام نهی از منکر واقع نمی‌شود! (مطهری بی‌تا، ج ۲۰، ص ۲۰۰ - ۲۰۲).

گناهان را در یک دسته بندی از لحاظ تأثیر می‌توان به دو دسته فردی و اجتماعی تقسیم کرد. فعلی که انجام می‌شود گاهی اثرش فقط بر فاعل است و گاهی اثر مستقیم فعل بر غیر فاعل مانند انسان‌های دیگر یا طبیعت است. در اینجا باید بین تأثیر با اراده و بدون اراده فرق گذاشت. گاهی تأثیر فعل طوری است که فرد تحریک یا تشویق به انجام کاری می‌شود و گاهی بدون اراده او تأثیر می‌پذیرد. برای مثال فردی مشروب می‌خورد. گاهی فرد دیگری با دیدن او هوس مشروب خوردن می‌کند و گاهی حالت مستی به او دست می‌دهد و به دیگران آسیب می‌رساند.

نمودار ۲. انواع گناه از لحاظ تأثیر



با توجه به این که انسان آزاد آفریده شده است و پذیرش دین نیز امری قلبی است و خداوند می‌فرماید در پذیرش دین اکراهی نیست. لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى لَا انْفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (بقره، ۲۵۶)؛^۱ بنابراین به نظر می‌رسد گناهی که تنها تأثیرش بر فاعل آن است یا تأثیر آن بر دیگران با اراده

۱. این که خداوند می‌فرماید در دین اکراه نیست؛ یعنی دین باید با رضایت قلبی باشد. اگر انسان دین حق را نپذیرد لازم است به عواقب آن که عذاب الهی است تن در دهد. نظام عالم نظامی دقیق بر مبنای روابط علی و معلولی است و اعمال جوارحی و جوانحی انسان بر انسان تأثیر تخلف‌ناپذیر دارند.

خودشان است و اجباری در کار نیست امر به معروف و نهی از منکر آن نیز از حد زبان فراتر نمی‌رود. اما اعمالی که تأثیر بر دیگران بدون اراده آن‌ها است لازم است با قوه قهریه جلوی رفتار فرد خاطی گرفته شود.

باید در معنای اجبار توسعه داد و اجبارهای اجتماعی را نیز در نظر گرفت. توضیح آن که می‌توان گناهان را در یک دسته‌بندی از لحاظ قدرت بر ترک و انجام به دو دسته تقسیم کرد:

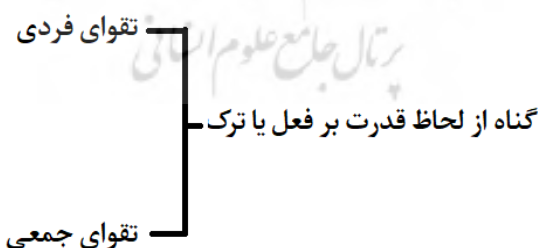
✓ گناهانی که ترک آن فقط تقوای فردی می‌خواهد؛

✓ گناهانی که ترک آن علاوه بر تقوای فردی نیاز به تقوای جمعی نیز دارد.

در گناهان دسته نخست اراده فردی برای ترک گناه کافی است. محیط بیرونی تنها وسوسه‌گر است و فرد می‌تواند در مقابل آن وسوسه‌ها مقاومت کند. برای مثال خویشتن‌داری جنسی فقط تقوای فردی می‌خواهد. زرق و برق‌های بیرونی وسوسه‌کننده انسان است و حتی اگر فرد را در اتاق هفت‌در زندانی کنند باز وسوسه است و نه اجبار. در خصوص حضرت یوسف قرآن کریم می‌فرماید: وَرَاوَدَتْهُ الَّتِي هُوَ فِي بَيْتِهَا عَنْ نَفْسِهِ وَغَلَّقَتِ الْأَبْوَابَ وَقَالَتْ هَيْتَ لَكَ قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ إِنَّهُ رَبِّي أَحْسَنَ مَثْوَايَ إِنَّهُ لَا يَفْلَحُ الظَّالِمُونَ (یوسف، ۲۳).

در گناهان دسته دوم اراده و تقوای فردی برای ترک گناه کافی نیست؛ بلکه تقوا و اراده جمعی می‌خواهد. فرض کنید کارفرمایی حقوق کم به کارمندش می‌دهد؛ طوری که آن حقوق کفاف زندگی روزمره‌اش نمی‌کند. هیچ جایی هم برای دادخواهی نیست و کارمند مجبور است کار کند. مسئولیت زندگی باعث می‌شود فرد به کارهای دیگر سوق داده شود. حداقل آن تأثیر پذیرش کار دوم است که در چنین حالتی از هر دو کار کم می‌گذارد. در اینجا تقوای دو نفر برای گناه‌نکردن لازم است. هم تقوای کارمند و هم تقوای کارفرما.

نمودار ۳. انواع گناه از لحاظ قدرت بر فعل یا ترک



اگر قرار به امر به معروف و نهی از منکر باشد اولویت با چنین گناهانی است که برای عدم ارتکاب آن تقوای جمعی نیاز است. مجازات هم بخشی از نظام امر به معروف و نهی از منکر است و بر اساس شدت مجازات و نحوه اثبات می‌توان اهمیت هر گناه را در نظر شارع استنباط کرد.

اولویت

اگر منکرهای مختلفی در جامعه شیوع پیدا کند کدام منکر باید در اولویت قرار گیرد؟ پاسخ به این پرسش از این جهت مهم است که اولویت‌ها در امر به معروف و نهی از منکر مشخص می‌شود. امام خمینی (ره) در این باره می‌فرماید اگر [انسان] بر یکی از دو کار توانایی داشته باشد: امر به فلان معروف، یا نهی از فلان منکر باید از میان آن دو مهم‌تر را ملاحظه کند و در صورت تساوی، میان آن دو مختیر است (خمینی پاییز ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۵۲۸).

در مسایل اختلافی چه باید کرد؟ یعنی اگر مجتهدی کار الف را گناه بداند و مجتهد دیگر آن را گناه نداند آیا باید امر به معروف و نهی از منکر کرد؟ حضرت امام در این باره می‌فرماید: اگر مسئله مورد اختلاف باشد و احتمال داده شود که نظر فاعل آن کار یا تارک آن و یا تقلیدش مخالف او باشد و آنچه را که وی انجام می‌دهد نزد خودش جایز باشد، امر و نهی او واجب نیست؛ بلکه انکار او جایز نیست؛ تا چه رسد به این که به چنین چیزی علم پیدا شود (خمینی پاییز ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۵۳۰). در خصوص جاهلان نیز می‌فرماید: اگر مسئله مورد اختلاف نباشد، ولی احتمال داده شود که شخصی که آن را مرتکب می‌شود جاهل به حکم مسأله باشد، ظاهر آن است که امر و نهی او واجب است، مخصوصاً اگر (جاهل) مقصر باشد. و احتیاط (مستحب) آن است که اولاً او را به حکم مسأله ارشاد نماید آنگاه اگر بر آن اصرار نمود انکارش کند، مخصوصاً اگر (جاهل) قاصر باشد (خمینی پاییز ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۵۳۰).

شرایط اجرا

حال پرسش این است که امر به معروف و نهی از منکر در چه شرایطی باید انجام شود. در ادامه این شرایط توضیح داده می‌شود.

۱. عدم وهن دین

یکی از شرایط امر به معروف و نهی از منکر آن است که این عمل باعث وهن دین نباشد و مردم از دین رویگردان شوند. زیرا هدف از امر به معروف و نهی از منکر تبلیغ و ترویج دین است و اگر این امر باعث رویگردانی مردم شود مقصود نه تنها حاصل نمی‌شود؛ بلکه عکس آن حاصل می‌شود. حضرت امام خمینی (ره) می‌فرماید: اگر در جایی امر یا نهی نسبت به بعضی موجب وهن شریعت مقدس ولو نزد غیر او باشد جایز نیست، خصوصاً آن جایی که صرفاً احتمال تأثیر می‌رود؛ مگر این که مورد، از موارد با اهمیّت باشد و (البته) موارد فرق می‌کند (خمینی پاییز ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۵۳۱).

۲. احتمال تأثیر

شرط دیگر این که انسان احتمال تأثیر امر یا نهی را بدهد. پس اگر انسان بداند یا اطمینان پیدا کند که امر به معروف و نهی از منکر او تأثیر ندارد واجب نیست (خمینی پاییز ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۵۳۱).

۳. به خطر نیفتادن جان

شرط دیگر آن است که جان انسان به خطر نیفتد. البته در اینجا باید به اهمیت موضوع دقت کرد. گاهی موضوع آن قدر مهم است که جان نیز باید فدا شود. حضرت امام خمینی (ره) در این مورد می‌فرماید: اگر معروف و منکر از چیزهایی باشد که شارع اقدس به آن اهمیت می‌دهد، مانند حفظ جان قبیله‌ای از مسلمین و هتک حرمت نوامیس آن‌ها، یا از بین بردن آثار اسلام و محو دلیل (حقانیت) اسلام به طوری که موجب گمراهی مسلمین گردد، یا از بین بردن بعضی از شعائر اسلام مانند بیت‌الله الحرام به طوری که آثار و محل آن محو شود و مانند این‌ها، باید ملاحظه مهم‌تر بودن را نمود، و هر ضرری اگرچه ضرر جانی باشد یا حرج، موجب رفع تکلیف نمی‌باشد. پس اگر برپا داشتن ادله (حقانیت) اسلام به طوری که به وسیله آن‌ها گمراهی برطرف شود، متوقف بر بذل جان یا جان‌ها باشد ظاهر آن است که واجب باشد؛ چه رسد به این که در ضرر یا حرجی که کمتر از بذل جان است واقع شود (خمینی پاییز ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۵۳۸).

لوازم اجرا

برای اجرای امر به معروف و نهی از منکر زیرساخت‌هایی لازم است. بدون وجود زیرساخت‌های مناسب عملاً اجرای امر به معروف و نهی از منکر اثری ندارد. بعضی از زیرساخت‌های لازم برای این امر عبارتند از:

۱. قوانین مناسب

از زیرساخت‌های لازم امر به معروف و نهی از منکر وجود قوانین مناسب است. اداره جامعه بدون قانون ممکن نیست. تصور کنید در جامعه قانونی برای راهنمایی و رانندگی وجود نداشته باشد؛ آنگاه چه آشفته‌بازاری به وجود می‌آید. تلفات انسانی چه قدر بالا می‌رود. قانون حدود رفتار انسان‌ها را مشخص می‌کند تا ظلمی صورت نگیرد و امنیت در جامعه برقرار شود. قانون زمانی چنین کارکردی دارد که دارای ویژگی‌های زیر باشد:

- ✓ مورد قبول و احترام مردم باشد.
- ✓ قابلیت اجرا داشته باشد.
- ✓ مردم را به انجام معروف و ترک منکر سوق دهد.
- ✓ در جامعه اجرا شود.

در صدر اسلام قانون مورد قبول جامعه آن چیزی بود که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله بیان می‌فرمود. بعدها نهاد دین از نهاد حکومت جدا شد و قانون آن بود که حاکم اعلام می‌کرد و گاهی بین خواست مردم و حاکمان فاصله بود و از این‌رو در بسیاری از مواقع مردم مگر به اجبار خود را ملزم به رعایت قانون نمی‌دیدند. در عصر غیبت استنباط احکام دین بر عهده فقها قرار گرفت و با توجه به کثرت و معصوم نبودن فقها، آنان در بعضی مسائل با هم اختلاف پیدا کردند و در نتیجه نمی‌توان فتوای مراجع را به عنوان قانون مورد قبول جامعه پذیرفت؛ باید این اختلاف‌ها طی فرایندی رفع شود و مصالح مردم هم در نظر گرفته شود و در نهایت به عنوان قانون از طرف حکومت ابلاغ شود.

قانونی که مناسب شرایطی که باید اجرا می‌شوند نباشد و مردم به این نتیجه برسند که قانون‌گذار در قانون‌گذاری خطا کرده است؛ آن‌گاه در همه جا چنین حسی خواهد داشت و نیروی درونی برای پایبندی به قانون در افراد وجود نخواهد داشت. برای مثال وقتی در خیابانی که خودروها بدون خطر می‌توانند بیشتر از ۳۰ کیلومتر بر ساعت حرکت کنند، اما راهنمایی و رانندگی حداکثر سرعت را ۳۰ کیلومتر بر ساعت تعیین کرده است و مردم به آن توجهی نمی‌کنند، در موارد دیگر چنین استنباط می‌کنند که قانون‌گذار قوانین مناسب وضع نکرده است و مهم نیست از آن پیروی کرد. وقتی ورودی تاکسی‌های گردشی در سال ۱۳۹۰ را ۱۸۵۲ ریال با پانصد متر مسافت آزاد ذکر کرده‌اند قابلیت اجرا ندارد. مسافرخش و مسافر به این نتیجه می‌رسند که قانونی که شورای شهر تصویب کرده است قابل اجرا نیست و شهروندان فقط آن قانون را نمی‌بینند؛ در ناخودآگاه آنان بی‌ارزشی قانون حک می‌شود. گاهی قوانین و فرایندها افراد را به انجام منکر و ترک معروف سوق می‌دهند. در زیر نمونه‌هایی از این قوانین ذکر می‌شوند:

✓ فرض کنید پدر و مادری به فرزندشان سخت می‌گیرند و برای هر اشتباهی او را تنبیه می‌کنند. فرزند نیز برای فرار از تنبیه به دروغ متوسل می‌شود. اگر پدر و مادر به جای تنبیه فرزند برای اشتباه، او را راهنمایی کنند و بگویند ما هم چون آینده را نمی‌دانیم اشتباه می‌کنیم. علم ما کمی بیشتر از شما است؛ پس اشتباهات را بگو تا با هم علت آن را بررسی کنیم. در این صورت دلیلی برای دروغ‌گویی نیست.

✓ نمونه دیگر قانون رسمی بودن کارمندان است که باعث شده است بهره‌وری بسیاری از افراد پایین باشد و هیچ کاری هم نمی‌توان انجام داد.

✓ قوانین انتخاباتی مجلس شورای اسلامی با توجه به ویژگی‌های مردم که خودگرا و عجول هستند (مهدوی نور ۱۳۹۵) مردم را به انجام منکر و ترک معروف سوق می‌دهد.

✓ دادن حقوق کم به کارمندان طوری که زندگی عرفی او تأمین نشود فرد را به سمت اضافه‌کاری‌های بیهوده، حتی دزدی و اختلاس سوق می‌دهد.

۲. اجرای بدون ملاحظه قانون

از زیرساخت‌های ضروری امر به معروف و نهی از منکر اجرای بدون ملاحظه قانون برای همه است. قانون باید حاکم بر قدرتمندترین افراد و نهادهای جامعه باشد (Waldron 2016). اگر قانون تحت ملاحظات برای عده‌ای اجرا نشود دیگران خود را برای اموری محق می‌دانند و ممکن است به بی‌قانونی‌هایی دست بزنند. حداقل این احساس در مردم ایران هست که همه در برابر قانون یکی نیستند. در پژوهشی که انجام شده است ۷۲ درصد مردم به برابری در مقابل قانون باور نداشتند و ۶۵ درصد مردم نظام حقوقی را مشروع نمی‌دانستند؛ ۷۴ درصد مردم گرایش منفی به قانون داشتند (موسوی زاده مرکیه ۱۳۹۶). قانون‌گریزی حتی در دستگاه‌های اجرایی نیز در حال افزایش است. نشانه آن نیز افزایش ۱۴ درصدی تعداد پرونده‌های مطروحه علیه دستگاه‌های اداری در دیوان عدالت اداری در تیرماه ۱۳۹۲ نسبت به پایان سال ۱۳۹۱ است (رفیعی، مرکز مالیری و موسوی‌زاده ۱۳۹۳).

۳. دسترسی آسان به محاکم قضایی

از زیرساخت‌های مهم دیگر برای امر به معروف و نهی از منکر دسترسی آسان به محاکم قضایی است؛ زیرا از ویژگی‌های انسان منفعت‌طلبی او است و این خصوصیت باعث می‌شود انسان گاهی برای منافعش حقوق دیگران را زیر پا بگذارد. در جامعه اگر نیرویی در مقابل زورگویان یا از حد‌گذرندگان نباشد آنان به زورگویی خود ادامه می‌دهند و افراد کم‌توان برای این که به دام زورگویان نیفتند دارایی‌های خود که از جمله آن‌ها استعدادهایشان است را بروز نمی‌دهند. برای امر به معروف و نهی از منکر باید دسترسی آسان و سریع به محاکم قضایی وجود داشته باشد که در زمانی اندک به شکایات رسیدگی کند.

در واقع رفتار غیراخلاقی زمانی روی می‌دهد که فرد با دو نوع رفتار درست و نادرست مواجه باشد و باور داشته باشد که منافع حاصل از رفتار غیر اخلاقی بر لطمات حاصل از آن می‌چربد (سلیمی و داوری ۱۳۸۶). از مواردی که باعث می‌شود منافع یک جرم بر لطمات آن بچربد کسانی است که مورد جرم واقع شده‌اند دسترسی آسان و سریع به محاکم قضایی ندارند و در واقع شکایت از مجرم برای آسیب‌دیده هزینه بیشتری دارد.

۴. شفافیت

از زمان حضرت آدم علیه‌السلام تا کنون افرادی بوده‌اند که خودخواهیشان باعث ایجاد فساد در جامعه بوده است و کمتر اتفاق افتاده است که اهل فساد بخواهند فساد خود را آشکار کنند و تقریباً در خفا به فساد می‌پرداخته‌اند. شفافیت در امور باعث می‌شود که فساد کمتر شود و از این رو امروزه تمایل دولت‌ها به شفاف‌سازی برای کاهش فساد زیاد است. زیرا روابط اجتماعی در یک جامعه بر اساس پیش‌فرض‌های مبتنی بر اعتماد استوار است و افراد جامعه بر اساس آن

پیش‌فرض‌ها می‌توانند انتظار داشته باشند که در مقابل آن چه انجام می‌دهند چه چیزی دریافت می‌کنند و اعتماد در یک فضای شفاف شکل می‌گیرد و در صورت فقدان شفافیت اعتماد نیز از دست می‌رود (ضمیری و نصیری حامد ۱۳۸۹). در این فضای بی‌اعتماد نیز اخلاق ذبح می‌شود. امروزه، قوانین شفافیت به طور گسترده‌ای مورد ارزیابی قرار گرفته است و قانون آزادی اطلاعات ایالات متحده^۱ اغلب به عنوان یکی از دستاوردهای قهرمانی جنبش شفاف مطرح می‌شود (Pozen and Schudson 2018). لازمه شفافیت دسترسی آزاد به اطلاعات است. دسترسی آزاد به اطلاعات تبدیل به یکی از جنبه‌های مطرح و لازم‌الاجرا در دولت معاصر و مدیریت عمومی شده است. بسیاری از کشورهای اروپایی قوانین آزادی اطلاعات را به خوبی ایجاد کرده‌اند بعضی از آن‌ها، آن را اخیراً به تصویب رسانده‌اند (Dragos, Kovač and Marseil 2019).

۵. نظام‌های نظارتی مناسب

امر به معروف و نهی از منکر را گاهی به نظارت عمومی بر کارگزاران تعبیر می‌کنند و آن را مانع فساد در اداره حکومت می‌دانند. به این صورت که مردم فعالیت‌های غلط کارگزاران را به آنان گوشزد می‌کنند و کارگزاران هم خود را اصلاح می‌کنند. اما نظارت عمومی لوازمی به شرح زیر دارد و تاریخ گواه است که این لوازم حداقل در کشورهای خاورمیانه محقق نشده است؛

۱. آزادی بیان و پس از بیان: افرادی که اشتباه کارگزاران را اعلام می‌کنند باید احساس امنیت کنند و از بیان خطاهای مقامات نهراسند.

۲. وجود منبع قضاوت بی‌طرف: باید نهاد بی‌طرفی وجود داشته باشد که میان مردم و کارگزاران قضاوت کند.

۳. وجود قوانین مناسب: برای برخورد با کارگرانی که بر اشتباه خود اصرار می‌ورزند.

۴. وجود فرایندی برای تصمیم‌گیری جمعی (رفراندوم): در خصوص بعضی امور به طور سالم و بدون فشار و خرید رأی و ...

۵. وجود فرهنگ پذیرش رأی اکثریت؛

۶. وجود فرهنگ جمع‌گرایی و ترجیح منافع ملی بر منافع فردی؛

۷. تقدس‌ناشتن هیچ چیز جز انسان و کمال غایی وی که رسیدن به خدا است؛

۸. شفافیت.

تاریخ گواه است که حتی وزرای پادشاهان توان انتقاد از شاهان را نداشتند و وزیران زیادی به خاطر انتقاد جان و یا موقعیت خود را از دست دادند. وقتی وزیر توان انتقاد ندارد آیا مردمی که

پشتوانه‌ای ندارند می‌توانند از حاکمان انتقاد کنند؟ در چنین نظامی شاه هر تصمیمی بگیرد به عنوان ظل‌الله مقدس است.

وقتی نظام مناسبی ایجاد شود که فرد در آن نظام نتیجه تلاش خود را ببیند. در این نظام باید با کسی که از حد خود تجاوز می‌کند و فساد ایجاد می‌کند برخورد شود تا کسان دیگر جرأت انجام این کار را نداشته باشند.

حضرت علی^{علیه‌السلام} در نامه‌ای به مالک اشتر زمانی که به فرمانداری مصر منصوب می‌شود نسبت به کارگزاران خائن چنین دستور می‌دهند:

اگر یکی از آنان دست به خیانت زد و گزارش بازرسان تو هم آن خیانت را تأیید کردند، به همین مقدار گواهی قناعت کرده، او را با تازیانه کیفر کن و آنچه را که از اموال در اختیار دارد از او باز پس گیر، سپس او را خوار دار و خیانت کار بشمار و قلاده بدنمایی به گردنش بیفکن (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳).

هنگامی که امیر مؤمنان علی^{علیه‌السلام} از خیانت ابن هرمه که مأمور بازار اهواز بود اطلاع پیدا کرد، به رفاعه حاکم اهواز نامه‌ای به شرح زیر نوشت:

وقتی که نامه‌ام به دستت رسید، فوراً ابن هرمه را از مسئولیت بازار عزل کن؛ به خاطر حقوق مردم، او را زندانی کن و همه را از این کار با خبر نما تا اگر شکایتی دارند، بگویند. این حکم را به همه کارمندان زیر دستت، گزارش کن تا نظر مرا بدانند. در این کار، نسبت به ابن هرمه نباید غفلت و کوتاهی شود و الا نزد خدا هلاک خواهی شد و من هم به بدترین وجه تو را از کار برکنار می‌کنم و تو را به خدا پناه می‌دهم از این که در این کار، کوتاهی کنی.

ای رفاعه! روزهای جمعه، او را از زندان خارج کن و سی و پنجاه تازیانه بر او بزن و او را در بازار بگردان؛ پس اگر کسی از او شکایتی با شاهد آورد، او و شاهدش را قسم بده؛ آن وقت، حق او را از مال ابن هرمه بپرداز، سپس دست بسته و با خواری او را به زندان برگردان و برپایش زنجیر بزن؛ فقط هنگام نماز زنجیر را از پایش درآور و اگر برای او خوردنی و نوشیدنی و یا پوشیدنی آوردند، مانع نشو و به کسی هم اجازه نده که بر او داخل شود و راه مخاصمه و طریق نجات را به او بیاموزد و اگر به تو گزارش رسید که کسی در زندان چیزی به او یاد داده است که مسلمانی از آن ضرر می‌بیند آن کس را، می‌زنی و زندانی می‌کنی تا توبه کند و از عمل خود پشیمان شود.

ای رفاعه! همه زندانیان را برای تفریح به حیاط زندان بیاور غیر از ابن هرمه را، مگر آن که برای جانش، بیمناک باشی که در این صورت او را با زندانیان دیگر به صحن زندان می‌آوری؛ اگر قدرت بدنی دارد هر سی روز، سی و پنج شلاق بر بدنش می‌زنی و قضیه را برای من بنویس و نام جانشین او را هم گزارش کن و حقوقش را قطع کن (قاضی نعمان ۱۳۸۳ق، ص ۵۳۲-۵۳۳).

امر به معروف و نهی از منکر در حجاب

انسان از لذت‌های دیداری تا زمانی می‌تواند استفاده کند که به آخرت و سرای ابدیش لطمه نخورد و این موضوع در چند حالت اتفاق می‌افتد.

۱. **هنگامی که باعث غفلت انسان می‌شود:** انسان برای آخرت آفریده شده است و حیات واقعی، زندگی آخرت است. ذکر نیز مایه حیات انسان است و غفلت باعث کوری و کوری دل انسان می‌شود. انسان باید از لذت‌ها طوری استفاده نکند که او را به غفلت وادارد و قلبش را سیاه و تاریک کند.

۲. **زمانی که برای تفاخر استفاده می‌شود:** «اساس و ریشه فتنه و فساد در جوامع بشری همانا تفاخر و اظهار برتری بر دیگران است و چنانچه این رذیله از بشر رخت بر بندد اساس صلح و سازش و صفا در اجتماع بشری پایه‌گذاری می‌شود» (حسینی همدانی ۱۴۰۴، ج ۱۵، ص ۴۰۳). خداوند می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» (حجرات، آیه ۱۳).

ما شما مردم را از یک پدر و یک مادر آفریدیم، همه شما از آن دو تن منتشر شده‌اید، چه سفیدتان و چه سیاهتان، چه عربتان و چه عجمتان و ما شما را به صورت شعبه‌ها و قبیله‌های مختلف قرار دادیم، نه برای این که طائفه‌ای از شما بر سایرین برتری و کرامت داشت بلکه فقط برای این که یکدیگر را بشناسید و امر اجتماعتان و مواصلات و معاملاتتان بهتر انجام گیرد چون اگر فرض شود که مردم همگی یک جور و یک شکل باشند و نتیجتاً یکدیگر را نشناسند، رشته اجتماع از هم می‌گسلد و انسانیت فانی می‌شود. پس غرض از این که مردم را شعبه شعبه و قبیله قبیله کرد این بود، نه این که به یکدیگر تفاخر کنند، تفاخر به انساب، و تفاخر به پدران و مادران (طباطبایی ۱۳۷۶، ج ۱۸، ص ۴۸۹).

۳. **زمانی که طبیعت انسان تحریک شود:** در انسان چون نیاز به چیزی پیدا شود، علایم آن نیز آشکار می‌شود و انسان اقدام به رفع آن نیاز می‌کند. وقتی انرژی بدن کم می‌شود، احساس گرسنگی می‌کند و چون آب بدنش کم شود، احساس تشنگی می‌کند و اگر غذا بخورد گرسنگی و چون آب بنوشد تشنگیش رفع می‌شود. اگر بیشتر از نیاز آب بنوشد و غذا بخورد دچار ناراحتی‌های جسمی می‌شود. حال اگر انسان به صورت غیرطبیعی در خود احساس نیاز به خوردن و آشامیدن ایجاد کند، زیاده‌تر از حد معمول می‌خورد و می‌آشامد و باعث مریضی فرد می‌شود. این امر در همه قوای انسان مثل قوه جنسی نیز صحیح است. اگر انسان به طور طبیعی تحریک شود و آمیزش جنسی داشته باشد، آن قوه از راه اصلیش ارضا شده است؛ اما اگر با تحریک، نیاز جنسی انسان تحریک شود، انسان دچار مشکلاتی خواهد شد؛ بنابراین هر کجا که طبیعت انسان تحریک شود به خصوص اگر دسترسی به حلال برای ارضا نباشد، استفاده از لذت‌های دیداری

ممنوع است. حتی زمانی که دسترسی به حلال هست، تحریک طبیعت در موارد زیادی صحیح نیست. به این دلیل است که خداوند به مؤمنان چه زن و چه مرد دستور داده است که چشم فروبندند و زنان را دستور داده است زینت‌های خود را بپوشانند (نور، ۳۰ - ۳۱).

دلایل تشریح حکم حجاب

خداوند به مردان و زنان مؤمن، دستور می‌دهد که چشم فرو بندند. از طرفی، به زنان دستور می‌دهد که خود را بپوشانند. علت این امر چیست؟ برای پی بردن به علت این حکم باید به شأن نزول آیه توجه کرد. جوانی از انصار در کوچه‌های مدینه به زنی برخورد که می‌آمد - در آن ایام زنان مقنعه خود را پشت گوش می‌انداختند - وقتی زن از آن جوان گذشت؛ جوان زن را تعقیب کرد و از پشت، او را می‌نگریست تا داخل کوچه تنگی رفت و در آن جا استخوان یا شیشه‌ای که در دیوار بود به صورت مرد گیر کرد و آن را بشکافت. همین که زن از نظرش غایب شد، متوجه شد که خون به سینه و لباسش می‌ریزد. با خود گفت: به خدا سوگند نزد رسول خدا^(ص) می‌روم و جریان را به او خبر می‌دهم. جوان نزد آن جناب شد و رسول خدا^(ص) چون او را بدید پرسید: چه شده است؟ جوان جریان را گفت. جبرئیل نازل شد و آیات ۳۰ و ۳۱ سوره نور را آورد» (طباطبایی ۱۳۷۶، ج ۱۵، ص ۱۶۱). پس حکمت و فلسفه حجاب و نگاه نکردن به نامحرم را می‌توان به صورت زیر بیان کرد:

۱. **تحریک نکردن دیگران:** قوای حیوانی در اثر ظهور صورت‌های علمی تحریک شده و شوق انجام فعل در انسان ایجاد می‌شود. شاید تجربه کرده باشید هنگامی که سیرید، اگر غذای مطبوعی را دیده باشید یا بوی آن به مشامتان خورده باشد، با این که سیر بوده‌اید هوس خوردن می‌کنید. شهوت انسان نیز چنین است با دیدن تصاویر و صحنه‌های محرک، قوای جنسی انسان به فعالیت افتاده و انسان نیز باید پاسخ مناسبی به آن بدهد. اگر از راه شرعی ارضاء نشود یا باید تحمل کرد یا به گناه افتاد. تحمل کردن نیز توان می‌خواهد و همه انسان‌ها چنین تحملی ندارند. از این روی به گناه آلوده می‌شوند. تازه اگر این قوه و هر قوه دیگر در انسان، زیاد سرکوب شود ایجاد عقده کرده و به‌صور مختلف بروز می‌کند. برای جلوگیری از عدم تحریک شهوت انسان به‌صورت غیرطبیعی خداوند مردان و زنان مؤمن را امر فرموده که چشمان خود را بسته و فروج خود را حفظ کنند. علاوه بر آن زنان را امر به پوشیدن کرده است.

۲. **علامت عفت زن:** عفاف و پاکدامنی به عنوان یک حالت نفسانی یعنی رام بودن قوه شهوانی تحت حکومت عقل و ایمان، تحت تأثیر قوه شهوانی نبودن، شره نداشتن، نبودن جزء آن دسته از افرادی که تا در مقابل یک شهوت قرار می‌گیرند بی‌اختیار می‌شوند و محکوم غریزه خود هستند نبودن (مطهری بی‌تا، ج ۲۲، ص ۶۱۵). حجاب علامت عفت زن است. بدین وسیله به

مردان می‌گوید: «من عقیف هستم و کاری به من نداشته باشید». خداوند در قرآن کریم به این دلیل اشاره می‌کند: یا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُوراً رَحِيماً (احزاب، ۵۹). البته عفت رفتار خاصی از طرف زن است و پوشش یکی از لوازم عفت است. ممکن است زنی پوشش داشته باشد لیکن رفتارش طوری باشد که عفت نداشته باشد. عفت فقط برای زن نیست؛ مرد نیز باید عفت داشته باشد. داستان یوسف داستان عفت مرد است که باید الگوی مردان باشد.

۳. عشق مرد به زن: می‌گویند: مشتاقی مایه مهجوری است. این صحیح است اما عکس آن هم صحیح است که: مهجوری مایه مشتاقی است. امروز یکی از خلأهایی که در دنیای اروپا و امریکا وجود دارد خلأ عشق است. در کلمات دانشمندان اروپایی این نکته زیاد به چشم می‌خورد که اولین قربانی آزادی و بی بند و باری امروز زنان و مردان، عشق و شور و احساسات بسیار شدید و عالی است. در جهان امروز هرگز عشق‌هایی از نوع عشق‌های شرقی از قبیل عشق‌های لیلی و مجنون، و خسرو و شیرین رشد و نمو نمی‌کند. از این داستان‌ها می‌توان فهمید که زن بر اثر دور نگه داشتن خود از دسترسی مرد تا کجا پایه خود را بالا برده است و تا چه حد سر نیاز مرد را به آستان خود فرود آورده است! به یقین درک این حقیقت توسط زن تأثیر فراوانی در تمایل او به پوشش بدن خود و مخفی کردن خود به صورت یک راز، داشته است (مطهری بی‌تا، ج ۱۹، ص ۴۲۷).

مولوی زن و مرد را به آب و آتش تشبیه می‌کند. اگر بین آب و آتش حائل باشد، آتش آب را به آسمان عروج می‌دهد اما اگر حائل از میان برداشته شود، آب آتش را خاموش می‌کند. اگر بین زن و مرد حجاب باشد، عشق بین آنان ایجاد می‌شود؛ زیرا هر کس جفت خود را می‌طلبد و با او آرامش می‌گیرد. اگر هر کس برایش دردسترس باشد، عطش و کششی ایجاد نمی‌شود. چون عشق ایجاد شد، ایثار هم که بالاترین و والاترین خصلت انسانی است در انسان بروز می‌کند و این امر انسان را به آسمان سوق می‌دهد (مولوی ۱۳۸۷، دفتر اول، ص ۱۰۹ - ۱۱۰).

۴. امتحان انسان: عده‌ای با دلایل سخیف، دستور حجاب و نگاه را توجیه و تفسیر کرده تا شاید بر مذاق اربابان شیطانی آن‌ها خوش آید حال آن‌که دو دستور فوق آیه صریح قرآن و دستور حضرت حق جلّ جلاله به مؤمنان است و بدون توجه به مصالح آن باید اطاعت شود. در ذبح اسماعیل عقل بشر چه مصلحتی را تصور می‌کند تا چنین فرمانی را اطاعت کند. یا رها کردن زن و بچه‌ای شیرخواره در بیابانی بی‌آب و علف را چگونه می‌پذیرد. حال آن‌که ابراهیم خلیل فرزندی را که در اواخر عمر، خداوند به او عطا کرده بود در صحرائی بی‌آب و علف با مادرش تنها می‌گذارد و هنگامی که اسماعیلش بزرگ می‌شود تیغ بر گلویش می‌گذارد. جالب است در این حال اسماعیل بیان می‌دارد دستور خدا را اجرا کن که مرا انشاءالله از صابران خواهی یافت. فَلَمَّا

بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيُ قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانْظُرْ مَاذَا تَرَى قَالَ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِن شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ (صافات، ۱۰۲).

حد پوشش

زن باید بدن و موی خود را از مرد نامَحْرَمَ بپوشاند اگرچه کمک به حرام و قصد لذتی در بین نباشد، بلکه احتیاط واجب آن است که از پسر غیر بالغ که خوب و بد را می فهمد نیز خود را بپوشاند (خمینی، بهار ۱۳۸۱، ص. مسئله ۲۴۳۵) و همچنین احتیاط واجب آن است که مرد هم بدن خود را از زن نامَحْرَمَ بپوشاند اگرچه کمک بر حرام نباشد و اگر کمک بر حرام باشد پوشاندن بدن به طور قطع واجب است، همان طور که پوشاندن عورت از زن نامَحْرَمَ واجب است و نیز احتیاط واجب آن است که مرد بدن خود را از دختر نامحرمی که نه سالش تمام نشده ولی خوب و بد را می فهمد بپوشاند، اگرچه قصد لذتی در بین نباشد (بهجت ۱۳۷۷، باب ازدواج، مسئله ۳۳۴).

احکام نگاه کردن

احکام نگاه مرد به زن و بالعکس به طور خلاصه به شرح زیر است:

- ✓ «نگاه کردن مرد به بدن زن نامحرم چه با قصد لذت و چه بدون آن حرام است» (خمینی بهار ۱۳۸۱، مسئله ۲۴۳۳) (بهجت ۱۳۷۷، مسئله ۳۲۸) (حسینی شاهرودی بی تا، مسئله ۲۴۴۱).
- ✓ «نگاه کردن مرد به صورت و دست‌های زن نامحرم اگر به قصد لذت باشد حرام است ولی اگر بدون قصد لذت باشد مانعی ندارد» (خمینی بهار ۱۳۸۱، مسئله ۲۴۳۳) (بهجت ۱۳۷۷، مسئله ۳۲۸) (حسینی شاهرودی بی تا، مسئله ۲۴۴۱).
- ✓ «نگاه کردن زن به بدن مرد نامحرم حرام است» (خمینی بهار ۱۳۸۱، مسئله ۲۴۳۳) (حسینی شاهرودی بی تا، مسئله ۲۴۴۱). بعضی نیز می گویند: «جواز نگاه کردن زن به قسمتی از بدن مرد نامحرم که اغلب باز است، مثل سر، خالی از وجه نیست مگر این که این نگاه کردن کمک به معصیت باشد» (بهجت ۱۳۷۷، مسئله ۳۳۰).
- ✓ «نگاه کردن به صورت و بدن و موی دختر نابالغ اگر به قصد لذت نباشد و به واسطه نگاه کردن هم انسان نترسد که به حرام بیفتد اشکال ندارد، ولی بنابر احتیاط باید جاهایی را که مثل ران و شکم به طور معمول می پوشانند نگاه نکند» (خمینی بهار ۱۳۸۱، مسئله ۲۴۳۳) (بهجت ۱۳۷۷، مسئله ۳۲۸) (حسینی شاهرودی بی تا، مسئله ۲۴۴۱).
- ✓ «دست زدن مرد به بدن زن نامحرم یا دست زدن زن به بدن مرد نامحرم مثل نگاه کردن حرام است و دست زدن مرد به صورت و دست‌های زن نامحرم و بالعکس نیز بنابر اظهر، جایز نیست» (بهجت ۱۳۷۷، مسئله ۳۳۱).

تطبیق شرایط امر به معروف و نهی از منکر بر مسئله حجاب

بر اساس آنچه گفته شد در ادامه شرایط امر به معروف و نهی از منکر بر حجاب تطبیق داده می‌شود.

به نظر بسیاری از فقها حجاب امر واجبی است و بی‌حجابی از گناهان است. فرد بی‌حجاب نیز گناه را به صورت آشکار انجام می‌دهد و اصرار بر آن هم دارد. پس امر به معروف و نهی از منکر در این خصوص واجب است. اما تا چه حد می‌توان در خصوص حجاب امر به معروف و نهی از منکر کرد. نخست آن که بی‌حجابی از لحاظ تأثیر تنها بر فاعل آن تأثیر دارد و اگر هم بر دیگران تأثیر داشته باشد با اراده فرد است و همچنین برای انجام ندادن آن تنها تقوای فردی نیاز است. پس امر به معروف و نهی از منکر محدود به امر به معروف زبانی می‌شود.

در دین اسلام و مذهب تشیع اصول دین عبارتند از: توحید، نبوت، معاد، عدل و امامت. فروع دین احکام عملی اسلام است که یک مسلمان وظیفه دارد به آن‌ها عمل کند. فروع دین اسلام از نظر مذهب شیعه امامیه عبارت‌اند از: نماز، روزه، خمس، زکات، حج، جهاد، امر به معروف، نهی از منکر، تَوَلّی و تَبَرّی. حجاب حتی جزء فروع دین هم نیست. اصل دین برای قبول پنج و برای اجرا در جامعه عدالت است.

بی‌حجابی حتی اگر جزء گناهان باشد جزء گناهان صغیره است. شهید دست‌غیب در اثر گرانسنگ خود آن را جزء گناهان کبیره نمی‌داند (دست‌غیب ۱۳۹۷). اگر همان طور که امام در خصوص اولویت‌بندی امر به معروف و نهی از منکر می‌فرماید عمل شود گناهان اجتماعی که اعتماد اجتماعی را از بین می‌برد مثل کم‌فروشی باید اولویت داد. این که حجاب پاشنه آشیل دین می‌شود قراردادن فرع فرع به جای اصول است.

علاوه بر آن امر به معروف و نهی از منکر عملی در خصوص حجاب باعث وهن دین می‌شود. امروز با وجود فناوری‌های دیجیتال و ارتباطی هر عمل انسان ضبط و پخش می‌شود. کلیپ‌هایی که از دستگیری زنان پخش می‌شود صحنه بدی را به تصویر می‌کشد. در بعضی از آن‌ها مردان نیروی انتظامی بدن زن را لمس و او را می‌کشند و کمرش نمایان می‌شود. تا قبل از این فقط موهایش پیدا بود و با این برخورد نیم‌تنه او نمایان می‌شود. پخش این کلیپ‌ها باعث وهن دین است و به فتوای حضرت امام خمینی (ره) هر امری که باعث وهن دین شود نباید انجام شود.

علاوه بر آن یکی از شرایط امر به معروف احتمال تأثیر است. لازم است متولیان امر بررسی کنند با این برخوردها چه مقدار تأثیر مثبت داشته است؟ تا آنجایی که شواهد نشان می‌دهد این نوع برخوردها نتیجه عکس می‌دهد.

از همه این‌ها که بگذریم حجاب بین فقها اختلافی است. امروز علمایی مانند احمدی حجاب

را امری عرفی می‌دانند نه امری شرعی. ایشان دو استدلال دارند. نخست آن که آیه حجاب به پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله دستور می‌دهد که به مؤمنان ابلاغ کند که چشم فروبندند و حجاب داشته باشند. اگر امر شرعی بود خود خداوند مانند امور دیگر به طور مستقیم دستور می‌داد. دوم آن که آیه حجاب دستور به مؤمنان است و نه همه مردم. در جامعه اسلامی زنان اهل کتاب، بردگان و ... وجود داشتند و با این آیه نمی‌توان وجوب حجاب را برای افراد دیگر اثبات کرد. چون این امر اختلافی است به فتوای امام خمینی (ره) که گذشت نمی‌توان در خصوص حجاب امر به معروف و نهی از منکر کرد.

در مدینه و در جامعه اسلامی افراد مختلفی زندگی می‌کردند که حجابشان اسلامی نبود. نگارنده در سیره ائمه موردی برای تذکر مشاهده نکرد.

افرادی که در مسئله حجاب فراتر از تذکر زبانی اقدام می‌کنند دو دلیل ذکر می‌کنند: نخست آن که حجاب را امری اجتماعی می‌انند و در میان فلسفه‌های چهارگانه که برای حجاب بیان شد به فلسفه عدم تحریک دیگران قائل هستند و فساد را ناشی از شل‌حجایی یا بی‌حجایی می‌دانند. اما باید دقت کرد که غریزه جنسی در انسان هست و امور بیرونی ممکن است آن را تحریک کند؛ اما هیچ‌گاه انسان را به حد اجبار نمی‌رساند. یکی از فلسفه‌های حجاب همان‌طور که ذکر شد کشش بین زن و مرد است که شهید مطهری هم به آن اشاره می‌کند. اگر این فلسفه حجاب را بپذیریم در تضاد با فلسفه نخست است و قائلان فلسفه نخست باید با آن مبارزه کنند. دوم آن که حجاب حکم الهی است و باید اجرا شود. باید گفت احکام الهی فراوانی وجود دارد که از حجاب اهمیت بیشتری دارند و باید به آن دقت کرد.

نتیجه‌گیری

امر به معروف و نهی از منکر یکی از واجبات دین است که خداوند از زبان پیامبرانش بر کسانی که آن را ترک کرده‌اند لعنت فرستاده است. این فریضه باعث قوام اجتماع و صلاح جامعه است. بنابراین بر هر مسلمان واجب است که احکام و شرایط آن را یاد بگیرد تا به حقوق دیگران تجاوز نکند.

برای این که امر به معروف و نهی از منکر درست اجرا شود لازم است به اهداف آن که همان اهداف بعثت پیامبران است توجه شود. ۱. دعوت به خداپرستی و پرهیز از پرستش طاغوت، ۲. تعلیم کتاب و آموزش حکمت، ۳. برپایی عدل و قسط، ۴. نجات از تاریکی‌ها، ۵. تکامل عقل، ۶. تعالی اخلاق، ۷. دآوری در اختلاف‌های مردم، ۸. آزادی انسان، ۹. قوه قهریه تنها برای برپایی عدل و قسط مجاز است. جز در برپایی قسط و عدل در هیچ کدام از موارد مذکور فقط دعوت زبانی و آموزش این اهداف را محقق می‌کند.

هر کسی اجازه امر به معروف و نهی از منکر کردن ندارد. شرایط فردی امر به معروف و نهی از منکر کننده عبارت است از: ۱. بی‌حس در امور شخصی، ۲. حساس در امور اجتماعی، ۳. دارای انگیزه الهی، ۴. دارای انگیزه رحمت و ۵. دارای بصیرت. بنابراین برای این که انسان این فریضه را به‌جای بیاورد لازم است نخست آموزش ببیند و یاد بگیرد تا معروف و منکر را درست بشناسد و سپس به خودسازی بپردازد تا عملش نتیجه عکس ندهد.

همچنین هر گناهی را نمی‌توان امر به معروف و نهی از منکر کرد. شرایط گناه نیز عبارت است از: به‌صورت آشکار و فاعل اصرار بر گناه داشته باشد. علاوه بر آن در گناهایی که تأثیر بر دیگران بدون اراده آن‌ها می‌گذارد یا برای مرتکب‌نشدن آن به تقوای جمعی نیاز است اعمال زور جایز و در بقیه امر به معروف و نهی از منکر زبانی کافی است.

در امر به معروف و نهی از منکر باید به شرایط آن دقت کرد تا نتیجه مطلوب حاصل شود. شرایط اجرای امر به معروف و نهی از منکر عبارت است از: عدم وهن دین، احتمال تأثیر و به‌خطر نیفتادن جان انسان. هر عملی از انسان حتی امر به معروف و نهی از منکر که باعث وهن دین است باید ترک شود. زیرا هدف آن است که انسان به طریق حق هدایت شود و عملی که باعث وهن دین شود باعث گمراهی مردم می‌شود. بسته به اهمیت موضوع نباید در انجام این فریضه جان انسان به‌خطر بیفتد؛ مگر آن که موضوع دارای اهمیت زیاد باشد.

برای اجرای قسط و عدل لوازمی نیاز است که عبارتند از: ۱. وجود قوانین مناسب، ۲. اجرای بدون ملاحظه قانون، ۳. دسترسی آسان به محاکم قضایی، ۴. شفافیت و ۵. وجود نظام‌های نظارتی مناسب. بدون تحقق موارد مذکور عملاً اجرای قسط و عدل میسر نیست. وظیفه حاکمان

در مرحله نخست آن است که این شرایط را فراهم کنند.

در خصوص حجاب به چند دلیل نباید از امر به معروف و نهی از منکر زبانی فراتر رفت: حجاب اولویت نیست؛ جزء گناهان فی نفسه صغیره است؛ باعث وهن دین است؛ احتمال تأثیر ندارد؛ امر اختلافی بین فقها است و سیره پیامبر و ائمه برخورد فیزیکی مشاهده نشد. در نتیجه در بسیاری از عملکردها در حوزه امر به معروف و نهی از منکر باید تجدید نظر کرد.

نکته آخر آن که باید در امر به معروف و نهی از منکر دقت کرد. اگر در جلوگیری از منکر، از مقدار لازم تجاوز کند و به ضرری بر فاعل منکر منجر شود ضامن می‌باشد؛ و تجاوزش حرام است (خمینی پاییز ۱۳۷۶، ج ۱، ص، ۵۴۶).



فهرست منابع

- قرآن مجید.
۱. اقدسی، فاطمه. (۱۳۹۸) واکنش زنان به سیاست‌های امر به معروف در حوزه حجاب: مطالعه کیفی تهران. رساله دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه تهران.
 ۲. بهجت، محمد تقی. (۱۳۷۷) توضیح المسائل. چاپ شانزدهم، قم: مکتب سماحہ آیه الله العظمی بهجت.
 ۳. پارسا، حمید. (۱۳۸۹) حدیث پیمانہ: پژوهشی در انقلاب اسلامی. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
 ۴. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۱) وحی و نبوت در قرآن. قم: اسراء.
 ۵. حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ ق) وسائل الشیعة. قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
 ۶. حسینی بهشتی، سید محمد حسین. (۱۴۰۱) مجموعه آثار کامل (۳۵ جلدی). تهران: نیاد نشر آثار و اندیشه‌های شهید آیت‌الله دکتر بهشتی.
 ۷. حسینی شاهرودی، سید محمد. (۱۳۹۲) رساله توضیح المسائل. بی‌تا.
<http://www.shahroudi.com>
 ۸. حسینی همدانی، سید محمد حسین. (۱۴۰۴ ق) انوار درخشان. تحقیق: محمد باقر بهبودی، تهران: کتابفروشی لطفی.
 ۹. خمینی، روح الله. (۱۳۷۶) تحریر الوسیله. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
 ۱۰. —. (۱۳۸۱) رساله توضیح المسائل. چاپ چهاردهم، تهران: پیام عدالت.
 ۱۱. دستغیب، عبدالحسین. (۱۳۹۷) گناهان کبیره. چاپ ۱۴۷، قم: انتشارات دارالصادق.
 ۱۲. رجایی، حسین. (۱۳۹۸) “اولویت بندی در امر به معروف؛ مطالعه موردی الزام حکومتی به حجاب.” فقه اهل بیت ۲۵، شماره ۹۷.
 ۱۳. رضایی، محمد رضا. (۱۴۰۰) “وش‌شناسی تعامل حکومت و مردم در اجرای امر به معروف.” پژوهش‌های فقهی ۸، شماره ۴.
 ۱۴. رضوانی، مریم. (۱۴۰۰) تأثیر اجرای نهی از منکر بر حضور اجتماعی زنان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مطالعات زنان، دانشگاه تربیت مدرس.
 ۱۵. رفیعی، محمدرضا. (۱۳۹۳) احمد مرکز مالگیری، و سید شهاب‌الدین موسوی‌زاده. راه کارهای کاهش دعاوی. گزارش طرح پژوهشی، تهران: پژوهشگاه قوه قضاییه.
 ۱۶. زمخسری، محمود. (۱۴۰۷ ق) الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل. چاپ سوم، بیروت: دارالکتاب العربی.
 ۱۷. سلیمی، علی، و محمد داوری. (۱۳۸۶) جامعه‌شناسی کجروی: مجموعه مطالعات کجروی و

- کنترل اجتماعی - کتاب اول. ویراست دوم. چاپ سوم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۸. سیوطی، جلال الدین. (۱۴۰۴ق) الدرالمثور فی تفسیر المأثور. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۱۹. شریعتی، سارا. (۱۳۹۵) "امر به معروف به مثابه کنش سیاسی: مطالعه موردی حجاب." فصلنامه مطالعات اجتماعی ایران ۱۰، شماره ۳.
۲۰. —. (۱۳۸۷) دین و جامعه: جامعه‌شناسی ادیان. تهران: کویر.
۲۱. ضمیری، عبدالحسین، و رضا نصیری حامد. (۱۳۸۹) "حکمرانی مطلوب و نقش شفافیت در تحقق آن." پژوهشنامه، شماره ۵۲.
۲۲. طباطبایی، محمد حسین. (۱۳۷۶) تفسیر المیزان. چاپ پنجم، قم: بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی.
۲۳. —. (بی تا) نه‌ایه الحکمه. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۲۴. طبرسی، حسن بن فضل. (۱۴۱۲ق) مکارم الأخلاق. قم: شریف رضی.
۲۵. علامه حلی، حسن بن یوسف. (۱۴۱۴ق) تذکره الفقهاء. قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام لاحیاء التراث.
۲۶. علوی، زهرا، و روح الله موسوی. (۱۴۰۲) "بررسی شرط 'عدم مفسده' در نهی از منکر با تطبیق بر مسئله حجاب." پژوهش‌های فقهی ۱۰، شماره ۱.
۲۷. عین‌القضاة همدانی، عبدالله بن محمد. (بی تا) تمهیدات. تصحیح، تحشیه و تعلیق: عقیف عسیران، تهران: منوچهری.
۲۸. فلاحی، علی. (۱۴۰۱) فراتحلیل مطالعات حجاب در ایران (۱۳۹۰-۱۴۰۰). طرح پژوهشی، تهران: پژوهشکده زنان دانشگاه الزهرا.
۲۹. قاضی نعمان، نعمان بن محمد مغربی. (۱۳۸۳ق) دعائم الإسلام. تحقیق: آصف بن علی أصغر فیضی، چاپ دوم، قاهره: دار المعارف.
۳۰. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۵) اصول کافی. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۳۱. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی. (۱۴۰۳ق) بحار الانوار. محقق و مصحح: جمعی از محققان، چاپ دوم، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۳۲. محقق حلی، ابوالقاسم نجم‌الدین. (۱۳۷۴) شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام. با ترجمه ابوالقاسم بن احمد یزدی. تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
۳۳. مصباح یزدی، محمد تقی. (۱۳۸۷) اخلاق در قرآن، سلسله درس‌های استاد محمد تقی مصباح یزدی. تحقیق و نگارش: محمد حسین اسکندری، چاپ هشتم، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۳۴. مطهری، مرتضی. (۱۳۶۲) آینده انقلاب اسلامی ایران. صدرا.

۳۵. —. (بی تا) مجموعه آثار. چاپ هفتم. جلد ۶ در لوح فشرده مجموعه آثار استاد شهید مطهری، قم: مرکز تحقیقات علوم کامپیوتری علوم اسلامی.
۳۶. —. (۱۴۰۱) مسئله حجاب. چاپ ۴۴، تهران: صدرا.
۳۷. —. (۱۳۸۷) یادداشت‌های استاد مطهری. تهران: صدرا.
۳۸. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴) تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۹. مهدوی نور، سید حاتم. (۱۳۹۵) "اقتصاد خصوصی یا دولتی در اسلام.
۴۰. مهرجردی، محمد زارع. (۱۴۰۱) "تحلیل فقهی شرایط تأثیر در نهی از منکر با محوریت مسائل اجتماعی معاصر." فقه اهل بیت ۲۸، شماره ۱۱۰.
۴۱. موسوی زاده مرکیه، سید شهاب الدین. (۱۳۹۶) "در انتظار قانون‌گرایی: تحلیل متنی نظریه حاکمیت قانون در ایران." فصلنامه مجلس و راهبرد، شماره ۹۲.
۴۲. مولوی، جلال الدین محمد بلخی. (۱۳۸۷) مثنوی معنوی. تصحیح: رینولدالین نیکلسون، چاپ دوم، تهران: کارون.
۴۳. نجفی، محمد حسن. (۱۳۹۲) جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام. چاپ دوم، قم: فتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
44. Dragos, Dacian C., Polonca Kovač, and Albert T. Marseil, . (2019) The Laws of Transparency in Action: A European Perspective. IIAS Series: Governance and Public Management.
45. Pozen, David E., and Michael Schudson, . (2018) Troubling Transparency: The History and Future of Freedom of Information. New York: Columbia University Press.
46. Waldron, Jeremy. (2016) "The Rule of Law." The Stanford Encyclopedia of Philosophy. Edited by Zalta Edward N.
- <https://plato.stanford.edu/archives/fall2016/entries/rule-of-law>